

دوفصلنامه «مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی»

سال سوم، شماره ششم / پاییز و زمستان ۱۳۹۷؛ ۱۵۸-۱۳۳

ارزیابی معیارهای تفسیری ابن عاشور و علامه طباطبایی در تعیین مکی یا مدنی بودن سوره

انسان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱)

محمد فراهانی^۱

محسن خاتمی^۲

چکیده

آگاهی از مکی و مدنی بودن آیات و سوره قرآن، تأثیر به سزایی در فهم قرآن و تبیین مفاهیم الهی دارد. اهتمام در فراگیری این دانش و طرح نظرات نوین یا بازخوانی آن‌ها از دیرباز درخور توجه بوده، به طوری که قرآن پژوهان همواره به نقش آفرینی این بحث در فهم قرآن، تأکید داشته‌اند. اما فراتر از آن در مقام عمل، مفسران در تعیین مکی یا مدنی بودن سوره‌ها، هم داستان نبوده‌اند. سوره «انسان» از جمله سوره‌های مورد مناقشه دانشوران بوده که به علت وجود برخی گزاره‌های به ظاهر متعارض، چالشی جدی در میان مفسران محسوب می‌شود؛ به طوری که هر یک با تکیه بر پیش فرض‌ها و تمسک به عوامل مؤثر در تعیین مکی یا مدنی بودن سوره، آرای خویش را گاه به صورت جزمی و گاه احتمالی مطرح نموده‌اند. اهتمام نوشتار حاضر تحلیل و ارزیابی دیدگاه‌ها و معیارهای تفسیری ابن عاشور و علامه طباطبایی در گزینش قول به مکی یا مدنی بودن سوره انسان است که از خلال توجه به گزارش‌های تاریخی کهن و نیز مباحث معناشناسی، تاریخی، ریشه‌یابی و واژگان و مطالعات زبان‌های سامی، صورت گرفته است. ثمره این نگرش، امکان وجود مستثنیات در سوره انسان و مدنی بودن بخش عمده این سوره است.

کلیدواژه‌ها: سوره انسان، مکی و مدنی، المیزان، التحریر و التنویر.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی تهران؛ نویسنده مسوول،

farahani314@gmail.com

۲. کارشناس دانشکده علوم قرآنی تهران، mohsenkhatami76@gmail.com

مقدمه

لازمه فهم صحیح الفاظ و حیانی قرآن، شناخت و آگاهی از ویژگی‌های آن است. به همین دلیل شناخت و شناساندن آیات و سورِ مکی و مدنی در گذر تاریخ، اهمیت فراوان داشته است. دانش مکی و مدنی، در تدبّر و تفسیر آیات کارساز است. (میرمحمدی زرنندی، ۱۴۲۰: ۲۸۹) از این رو آگاهی از این دانش، برای مفسّران لازم دانسته می‌شود. (ابن ابی‌زمین، ۱۴۲۴: ۱۰) حضور برخی صحابه در جریان نزول آیات و اهتمام در توجه‌دهی و شناساندن آیات مکی و مدنی به تابعین و طبقات بعد، نشان از اهمیت سخنان ایشان دارد و لزوم توجه به این فضای گفتمانی را آشکار می‌سازد. روایات معصومان (ع) نیز در این باره در عین اندک بودن، اما در صورت اثبات صدور تلقی به قبول می‌شوند؛ از این رو تطبیق روایات معصومان (ع)، با صحابه و تابعین برای دستیابی به مکی یا مدنی بودن سوره‌ها، ضروری می‌نماید.

بیان مسأله

اهمیت شناخت مکی یا مدنی بودن سوره‌ها، سبب شده است تا مفسّران و قرآن پژوهان، اهتمام فراوانی در بازشناسی آن داشته باشند. در این میان، سوره «انسان» از جمله سوره‌هایی است که در تبیین این شاخصه اختلاف شده؛ در این باره سه دیدگاه کلی مطرح است: ۱. مکی بودن تمام آیات، ۲. مدنی بودن تمام آیات و ۳. بخشی از آیات آن مکی و بخشی مدنی (نک: ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۳۷۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹/۱۱۸). این تعارض آراء که در دو دیدگاه نخست از سنخ تضاد است، لزوم توجه به پژوهش در این حوزه را آشکار می‌سازد. نگرشی جمعی به سبب نزول مشهور این سوره، خبر از تطابق آن با شرایط محیطی و گفتمانی مدینه می‌دهد. با توجه به مرفوعات صادره از معصومان (ع) (به عنوان نمونه: قمی، ۱۴۰۴: ۲/۳۹۹-۳۹۸؛ مجلسی ۱۴۰۳:

ارزیابی معیارهای تفسیری ابن عاشور و علامه طباطبایی در... / ۱۳۵

۳۵ / ۲۴۳-۲۳۷) و نیز موقوفات صحابه و مقطوعات تابعین، پیرامون سبب نزول سوره انسان، نزول آن را در شأن اهل بیت (ع) و تمامی اخبار نزول آن را پس از رخداد بیماری حسنین (ع) دانسته‌اند (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳ / ۳۷۳-۳۷۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۰ / ۷۴۶). حال این سؤال مطرح می‌گردد که چگونه ممکن است سوره انسان که در شأن اهل بیت و در پی بیماری حسن و حسین (ع) نازل شده، مکی باشد درحالی‌که ایشان متولد مدینه هستند؟ و یا چگونه این سوره می‌تواند مکی باشد در صورتی که در این سوره، سخن از اطعام به اسیر شده است؛ حال آن که هیچ‌گونه گزارش تاریخی، دال بر وقوع جنگ میان مسلمانان و کفار در مکه وجود ندارد تا مسلمانان کسی را از اهل دار الحرب به اسارت گرفته باشند، بلکه تمامی غزوات مربوط به مدینه و پس از هجرت پیامبر است؟ پرسش دیگر قابل طرح آن که «علی رغم کاربست واژه «اسیر» در آیه «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا» (انسان / ۸) که مفهوم اطعام به اسیر را به اذهان متبادر می‌کند، چگونه ممکن است این سوره مکی باشد، حال آن‌که در مکه هیچ جنگی میان مسلمانان و کفار رخ نداد تا شخصی از اهل دار الحرب توسط مسلمانان گرفتار و اسیر شده باشند؟

پیشینه پژوهش

پیش از این، در باره مکی یا مدنی بودن سوره انسان، تحلیل‌های فراوانی از علمای سلف صورت گرفته است؛ هر یک از مفسران به فراخور بحث و گاه با تمسک به پیش‌فرض‌ها، این مسئله را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما امروزه، برخی مقالات و نگاشته‌های پژوهشی معاصر به توجه‌دهی به این بحث و تحلیل اقوال قرآن‌پژوهان گذشته، پرداخته‌اند؛ آثاری همچون «کاوشی در مکی یا

مدنی بودن سوره دهر» از پروین بهارزاده، چاپ شده در فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (۱۳۸۱)، «کنکاشی در مکی یا مدنی بودن سوره انسان» از کرم سیاوشی منتشر شده در مجله صحیفه مبین (۱۳۸۸) و همچنین مقاله «بررسی مقارنه‌ای سوره انسان در دو تفسیر اُطیب‌البیان و مفاتیح‌الغیب» از زهره اخوان‌مقدم و لیلا خانی‌اوشانی در مجله مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی (۱۳۹۶) چاپ شده در مقاله اول، نویسنده با تحلیل گزاره‌ها توأم با پذیرش روایات شأن نزول در فضیلت اهل بیت پیامبر (ص) قائل به مکی بودن سوره است. مقاله دوم به نقد مقاله پیشین پرداخته و مدنی بودن آیات ۲۲-۵ را به اثبات رسانده است. مقاله سوم نیز به بررسی تطبیقی دو تفسیر اُطیب‌البیان و مفاتیح‌الغیب پرداخته، یکی مربوط به سده‌های میانی و دیگری از تفاسیر معاصر؛ که با این نوشتار با پژوهش‌های بیان شده، وجه تمایز در ادامه تبیین می‌شود:

ضرورت و اهمیت پژوهش

ابن‌عاشور و علامه طباطبایی، هر دو مفسری بسیار تاثیرگذار در خاستگاه نگرش قرآن‌پژوهان پس از خود بوده، نسبت به مسائل مطروحه جامع‌نگری در پیش گرفته و از تک‌بعدی‌نگری اجتناب نموده‌اند؛ به‌علاوه این‌که در کنار نقل، از امتیاز عقل نیز بهره‌جسته‌اند که امکان بهره‌گیری از آثار سلف برای ایشان فراهم بوده است. از این‌رو لزوم توجه و بررسی تطبیقی میان نظرات تفسیری ایشان از اهمیت فراوانی برخوردار است که این نوشتار به تحلیل این آوردگاه‌های تفسیری به‌طور خاص در سوره انسان پرداخته است.

از جمله ابزارهای ارزیابی این تفاسیر، بررسی آرای ایشان از رهگذر توجه به مباحث جدید ریشه‌شناسی واژگان بر اساس زبان‌های سامی است. بخشی از نوشتار حاضر در مقام راستی‌آزمایی

ارزیابی معیارهای تفسیری ابن عاشور و علامه طباطبایی در .../ ۱۳۷

دیدگاه‌های تفسیری بیان شده، در کنار ریشه‌یابی برخی واژگان، توجهی نیز به روش «معناشناسی تاریخی» دارد که این روش با مطالعه تحول معنایی یک واژه در گذر زمان، امکان بروز تغییرات معنایی همچون توسعه و تضییق دامنه را ارزیابی می‌نماید. (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۲؛ همچنین نک: Palmer, 1976: 11-12). واژه «اسیر» به عنوان کلید واژه‌ای تاثیرگذار در تعیین مکی یا مدنی بودن این سوره، خاصاً مورد بحث قرار می‌گیرد که پژوهش در گردآوری همزادهای «أسر» در زبان‌های هم‌خانواده عربی و زبان‌شناسی تاریخی به منظور دستیابی به این مهم در وهله نخست مورد توجه بوده است. توجه به امکان وجود مستثنیات در این سوره و نیز تحلیل گزارش‌های تاریخی از جمله ابزارهای مورد استفاده در راستی‌آزمایی نظرگاه‌های تفسیری ابن عاشور و علامه طباطبایی در این نوشتار محسوب می‌شود که در پژوهش‌های پیشین این نحوه ورود و نگرش به مکی یا مدنی بودن سوره انسان در نقدهای متنی و فرامتنی دیده نمی‌شود.

۱. نگاهی کلی به سوره انسان

این سوره بدون هیچ اختلافی، در قرائات متعدد، دارای ۳۱ آیه است (اموی اندلسی، ۱۴۱۴: ۲۶۰) که با نام‌های «الدهر، الأبرار، الإنسان، الأمشاج و هل أتی» (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۳۷۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹/۳۴۳) شناخته شده و از جمله سوره‌هایی است که «مکی یا مدنی بودن آن همواره محل اختلاف و نزاع بوده است» (مصطفی مسلم، ۱۴۳۱: ۸/۵۰۶). چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، سه دیدگاه کلی در این باره مطرح است که اختصاری از آن در این جا بیان می‌شود:

- دیدگاه اول؛ مدنی بودن تمام آیات

به گفته برخی، جمهور مفسران و مسلمین سوره انسان را مدنی می‌دانند. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۳۷۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹/۱۱۸). مراجعه به منابع قرآن پژوهان متقدم نیز مؤید این گفته است.

(سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳/۵۲۵؛ عاصمی، ۱۴۱۸: ۱/۳۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۶۷۰) برخی از مفسران نیز با توجه به اخبار رسیده از صحابه و تابعان، این دیدگاه را تقویت نموده‌اند. (بغوی، ۱۴۲۰: ۵/۱۸۸؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ۵/۴۰۸) حاکم حسکانی در کتاب «شواهد التنزیل»، قریب به ۲۰ روایت را با طرق متعدد در ذکر سبب نزول آیات سوره انسان اختصاص داده است و در آن با قاطعیت، مدنی بودن سوره انسان را اثبات می‌کند. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/۴۰۹-۳۹۶) عده‌ای از قرآن‌پژوهان معاصر نیز روایات سلف را عمده دلیل در مدنی بودن این سوره دانسته‌اند. (معرفت، ۱۳۸۱: ۹۴)

- دیدگاه دوم؛ مکی بودن تمام آیات

ابن تیمیه از طرفداران سرسخت این نظر است؛ وی می‌نویسد: «سوره انسان مکی است و آنچه در باره شأن نزول این سوره گفته شده، کذب است» (ابن تیمیه، ۱۴۳۲: ۶/۴۳۶) برخی از مفسران با استناد به سیاق، مکی بودن سوره انسان را قول ارجح دانسته‌اند. (سید قطب، ۱۴۱۴: ۸/۳۹۱) دسته‌ای از گزارش‌ها نیز روایاتی را منتسب به ابن عباس، ابن ابی طلحه، قتاده، مقاتل و ابن مسعود دانسته که در آن‌ها سخن از مکی بودن این سوره به میان آمده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹/۳۴۳).

- دیدگاه سوم؛ بخشی از آیات مکی و بخشی مدنی

در گزارش‌های نقل شده از حسن بصری، عکرمه و کلبی چنین برمی‌آید که بخشی از آیات را مدنی و بخشی را مکی دانسته‌اند. ایشان معتقدند آیات ۱ تا ۲۳ مدنی است و مابقی آیات مکی (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹/۳۴۳). در قولی دیگر، حسن بصری و عکرمه تنها آیه ۲۴ این سوره را مکی دانسته‌اند. (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ۵/۴۰۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۳۷۴) اما در این بین، قائل

ارزیابی معیارهای تفسیری ابن عاشور و علامه طباطبایی در ... / ۱۳۹

به مدنی بودن آیات ۱ تا ۲۲ هستند. (ماوردی، بی تا: ۶ / ۱۶۱) این قولی است که علامه طباطبایی نیز احتمال آن را قوی دانسته است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰ / ۱۳۶-۱۳۵)

۲. شأن نزول سوره انسان

از ابن عباس، در بیان سبب نزول سوره انسان نقل شده است: حسن و حسین (ع) بیمار شدند و پیامبر (ص) به هنگام عیادت از ایشان به علی (ع) فرمود: «خوب است که برای فرزندان نذری کنی» به همین خاطر علی، فاطمه و فضّه سه روز روزه‌داری را نذر بهبودی ایشان نمودند. پس از چندی، از بیماری شفا یافتند و زمان ادای نذر فرا رسید. روز اول به گاه آن‌که نان‌ها آماده شد تا افطار نمایند، ناگهان فقیری بر در ایستاد و گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ»، من مسکینی از مساکین مسلمانم. مرا اطعام کنید تا خدا شما را از مائده‌های بهشت اطعام کند. آن‌ها مسکین را بر خویش ترجیح داده و شب را تنها با آب به صبح رساندند. روز دوم نیز به هنگام افطار، یتیمی سر رسید. ایشان یتیم را بر خود ترجیح دادند و تنها با آب افطار کردند. روز سوم اسیری آمد و با او نیز چنین کردند. چون صبح رسید، علی (ع) دست حسن و حسین را گرفت و به سوی رسول خدا به راه افتاد. هنگامی که چشم پیامبر به شدت گرسنگی و توأمان با لرزش آن‌ها افتاد فرمود: «مَا أَشَدَّ مَا يَسُوؤُنِي مَا أَرَى بِكُمْ! چه قدر بر من ناگوار است آنچه را که در شما می‌بینم!» پیامبر به همراه آن‌ها حرکت کرد تا نزد فاطمه آمد و او را در محرابش یافت که آثار گرسنگی بر چهره او مشاهده می‌شد و دو چشمش فرو رفته بود. پیامبر از این منظره محزون گشت [و گریست]. در این هنگام جبرئیل نازل شد و گفت: «خُذْهَا يَا مُحَمَّدُ هُنَّاكَ اللَّهُ فِي أَهْلِ

بیتک؛ ای محمد! سوره [انسان] را بگیر. خداوند به تو وجود چنین خاندانی را تبریک می گوید»
آن گاه، سوره [انسان] را برای او خواند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۶۷۰)
این واقعه را بسیاری از محدثان و مفسران در کتب خویش، نقل کرده‌اند. (فخر رازی، ۱۴۲۰:
۳۰ / ۷۴۶؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۱ / ۳۰۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۳۹۴-۴۰۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۶۱۱-
۶۱۲)

۳. دیدگاه ابن عاشور پیرامون مکی یا مدنی بودن سوره انسان

ابن عاشور پیش از ورود به تفسیر، همچون دیگر مفسران به ذکر مباحث مقدماتی همت گمارده و به تعدادی از اسامی سوره انسان توجه می‌دهد: ۱. در بسیاری از مصاحف، این سوره موسوم به «سوره دهر» است، ۲. خفاجی آن را «سوره امشاج» نامیده و علت آن ذکر لفظ «امشاج» در آیه دوم این سوره است که در سراسر قرآن تنها در این موضع استعمال دارد و ۳. طبرسی نیز آن را «سوره ابرار» نام نهاده است، چرا که در این سوره از نعمت‌های نیکان سخن به میان آمده توأم با ذکر لفظ «ابرار» او سپس به اختلافی که میان آراء علمای سلف در قول به مکی یا مدنی بودن این سوره وجود دارد، اشاره می‌کند: «در مکی یا مدنی بودن سوره انسان اختلاف وجود دارد. برخی آن را مکی دانسته‌اند و گروهی مدنی؛ عده‌ای نیز معتقد به مکی بودن بخشی از آیات و مدنی بودن بخش دیگر هستند». هر یک از این دیدگاه‌های سه‌گانه به پشتوانه موقوفات صحابه و مقطوعات تابعین باورمندانی دارد: ۱. از ابن عباس، ابن ابی طلحه، قتاده، مقاتل و همچنین ابن مسعود نقل شده که این سوره مکی می‌باشد. ۲. در روایاتی دیگر که مجاهد آن را از ابن عباس نقل نموده است، این سوره مدنی تلقی شده است. همچنین جابر بن زید و قتاده نیز در مواضعی

ارزیابی معیارهای تفسیری ابن عاشور و علامه طباطبایی در ... / ۱۴۱

این سوره را مدنی دانسته‌اند. ۳. از حسن بصری، عکرمه و کلبی نیز گزارش‌هایی رسیده که دلالت بر مدنی بودن سوره جز آیات ۲۴ تا آخر دارند به عبارت دیگر، تنها آیات ۱ تا ۲۳ مدنی شمرده شده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹/۳۴۳).

سپس در مقام قضاوت و اجتهاد در تعیین مکی یا مدنی بودن، قول صحیح‌تر را «مکی بودن» می‌داند. او بهترین شاهد در انتخاب این رویکرد را، اسلوب و محتوای آیات دانسته و این موید معنایی را کاملاً مشابه و منطبق با سیاق سوره مکی بیان می‌کند. او در این باره می‌نویسد: «من گمان نمی‌کنم جز آیه «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان/۸) در مدینه نازل شده باشد؛ دلیل آن هم روایات متعدد درباره این آیه است که در شأن علی بن ابی طالب (ع) در مدینه نازل شده است، آن‌گاه که به مسکین، فقیر و اسیر شب‌هنگام در سه شب متوالی اطعام نمود. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹/۳۴۴) وی به مناسبت ذکر لفظ اسیر که اغلب، فهم حاصل از آن، همان معنای مستعمل مشهور است، می‌نویسد:

«در مکه برای مسلمین اسیری نبود که لفظ اسیر بر مفهوم اسیر جنگی حمل گردد». روایات صادره متعدد مربوط به سبب نزول، موجب تردیدهای ابن‌عاشور درباره مکی یا مدنی بودن این آیه شده، چنان‌که خود تبعید ذهنی وجود اسیر در مکه را در بخش مقدمه طرح کرده‌است تا مخاطب خود را تا هنگام تفسیر آیه مربوطه همراه نماید. وی در خاتمه دیباچه خود بر سوره انسان، مجدد قول به مکی یا مدنی بودن را از نگاه به سوره‌های هم‌جوار طرح و موید قول خود مبنی بر مکی بودن این سوره را مستند به مصاحف صحابه می‌کند: «جابر بن زید این سوره را بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها، نود و هشتمین سوره و بعد از الرحمن و قبل از طلاق دانسته، بدیهی است که سوره انسان بر این اساس، مدنی خواهد بود. اما اگر اخذ به قول صحیح‌تر شود، یعنی

مکی بودن، آن دیدگاه بر اساس ترتیب نزول سور در مصحف ابن مسعود خواهد بود که در آن سوره انسان، سی یا سی و یکمین سوره است.» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹ / ۳۴۴)

حال علاوه بر آنچه گفته شد، برای کشف نگاه ابن عاشور در تعیین مکی یا مدنی بودن این سوره علاوه بر آن، ضروری است به تأملات او در ذیل آیه «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا» (انسان / ۸) توجه شود؛ وی آنچه را که درباره لفظ «اسیر» در مقدمه طرح نمود، به تفصیل بیان می‌کند: «اگر تمام سوره مکی باشد، از آنجا که مربوط خواهد بود به پیش از عزت مسلمانان، لذا مقصود از «اسیر»، اسیر در جنگ نیست؛ بلکه مراد، عبد و بنده مسلمانان است، آن‌گاه که مشرکان بندگان خویش را به مسلمانان تسلیم کرده بودند؛ همانند بلال، عمار و مادرش.» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹ / ۳۵۷)

او با تکیه بر برخی روایات نبوی در پی امکان تأویل مفهوم «اسیر» به واژگانی همچون «عبد» و «زن» است. در این باره معتقد است: «عبودیت از اسارت نشئت می‌گیرد، بنابراین «بنده» و «عبد» همان «اسیر» است و برای لفظ «عانی» نیز چنین مطلبی جاری است. از این روست که پیامبر فرموده: «فَكُونُوا الْعَانِيَةَ؛ اسیر (عبد) را رها کنید» و در باره زنان گفت: «إِنَّهُنَّ عَوَانٌ عِنْدَكُمْ؛ آن‌ها عوان (اسیران) نزد شمایند». در روایتی نیز رسول خدا در آیه مربوطه، «الْأَسِير» را «المملوك و المسجون» قرائت نموده است. لذا باید دانست که شاهدی نیست در این آیه تا به موجب آن، سوره انسان را مدنی بدانیم. اما در وجه مدنی بودن این آیه، مراد از «اسیر» کسانی هستند که در غزوه بدر توسط مسلمانان اسیر شدند» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹ / ۳۵۷). مطلب شایان ذکر دیگر، التفات ابن عاشور به نظرات دانشوران پیشین است. وی به هنگام تفسیر آیه ۲۳ می‌نویسد: «از این آیه تا انتهای سوره [غالباً] اختلافی در مکی بودن آن وجود ندارد» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹ / ۳۷۲).

ارزیابی معیارهای تفسیری ابن عاشور و علامه طباطبایی در .../۱۴۳

حاصل آن‌که، دیدگاه ابن‌عاشور در قول به مکی یا مدنی بودن سوره‌ انسان، علی‌رغم تردیدهای آشکار و نهان او در برخی مواضع، نظر به ارجحیت مکی بودن آن و تشکیک در مدنی بودن تنها آیه هشتم است.

۴. دیدگاه علامه طباطبایی پیرامون مکی یا مدنی بودن سوره انسان

علامه طباطبایی در دیباچه تفسیر این سوره، سیاق آیات را گواهی بر مدنی بودن تمام یا ۲۲ آیه ابتدایی می‌داند، به طوری که روایات فراوان نقل شده از فریقین، این سخن را تایید می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۱۲۰) سیاق آیات، سیاق داستان سرایی است، به ویژه آیات هفت و هشت^۱ بیان یک داستان حقیقی است که در عالم خارج به وقوع پیوسته؛ داستان گروهی از مؤمنین که قرآن ایشان را ابرار نامیده و به موجب اعمال نیک‌شان وعده جلیل می‌دهد. با این وصف باید چنین گفت که سبب نزول آیات همین داستان بوده و هدف خداوند ساختن یک قصه فرضی و خیالی نبوده است. ذکر اسیر در بین کسانی که به دست آن ابرار اطعام شده‌اند، بهترین شاهد است بر این‌که این آیات در مدینه نازل شده، چون مسلمانان در مکه قدرتی نداشته تا اسیر داشته باشند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۱۲۷ و ۱۳۵). وی مفهوم دلالتی واژه اسیر را همان معنای قریب به ذهن یعنی اهل دار الحرب (گرفتار شده به دست مسلمانان) دانسته و در رد دیگر تعبیر مفهومی می‌نویسد: «گروهی مفهوم اسیر را مسلمان اسیر شده در دست کفار، محبوس، برده و یا زنان اسیر در دست مردان دانسته‌اند، اما این تلاش‌ها، تنها ادعاهایی است بدون ادله که برای اثبات آن‌ها زحمتی بر خویش متحمل نموده‌اند» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۱۲۷-۱۲۶). استفاده

۱. «يُؤْفُونَ بِالَّذِرِّ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَظِيرًا؛ وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»

لفظ «اسیر» از عمده‌ترین دلایل علامه طباطبایی در استدلال به مدنی بودن است که در جای جای تفسیر سوره انسان بدان توجه داده‌است. وی در بخشی چنین اظهار می‌کند: «اسیر یکی از سه گروهی است که توسط ابرار اطعام شده و این واقعه شاهدهی بر آن است که آیات در مدینه نازل شده‌اند. این داستان حقیقی پس از هجرت پیامبر (ص)، قوت یافتن اسلام و غلبه مسلمانان بر کفار و مشرکین اختصاص دارد و نه پیش از آن.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۷/۲۰)

در این تفسیر برای اثبات مدنی بودن سوره انسان به روایات فراوانی نیز التفات شده است. به عنوان نمونه به روایتی از حسن بصری در *الدرالمنثور* توجه داده می‌شود: «روزی که آیه و *يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ*... نازل شد اسیرانی از مشرکین در مدینه بودند» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳۸/۲۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۲۹۹)؛ یا روایتی از ابن عباس که مدنی بودن این سوره را گزارش می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۱۳۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۲۹۷) و یا توجه‌دهی به روایتی که علی (ع) ترتیب نزول سور را بیان نموده و سوره انسان را در زمره سوره‌های مدنی و پس از سوره رحمان دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۱۳۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۶۱۳-۶۱۴). سرانجام در ذکر سبب نزول سوره انسان در شأن اهل بیت پیامبر، روایات با طرق متعددی نقل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۱۳۳-۱۳۲). علامه طباطبایی همچنین، شأن نزول‌های غیر مشهور را که در مورد مردی سیاه چهره و یا حبشی است، نقل نموده و سپس به ذکر عدم دلالت روایات، با آیات مربوطه می‌پردازد و به دلیل وجود تنافی با آیات، سبب نزول بودن این روایات غیر مشهور را نفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۱۳۴).

علامه طباطبایی در بخشی، گفتار و ادله برخی از اندیشوران قرآنی را مبنی بر مکی بودن این سوره بازگو نموده و سپس به نقد و ارزیابی آن، همت گمارده است. این مفسران روایاتی دال بر

ارزیابی معیارهای تفسیری ابن عاشور و علامه طباطبایی در ... / ۱۴۵

مکی بودن را بر دسته دیگر غالب می‌انگارند و محتوای سوره را که به تصویرسازی نعمت‌های بهشتی و دستور به صبر در برابر حکم خداوند و عدم اطاعت از غیر، اختصاص یافته، موید قول خود می‌دانند. چراکه نظیر این‌ها در سوره‌های قلم، مدثر و مزمل است که جملگی مکی‌اند. این استدلال، مورد اعتراض علامه بوده به طوری که معتقد است: فحوای این آیات صرفاً به سور مکی اختصاص نداشته تا دلیلی بر مکی بودن این سوره باشد. چنان‌که سوره‌های رحمن و حج در ضمن مدنی بودن مشتمل بر این بیانات هستند. به علاوه، ایشان، امر به صبر و نهی از اطاعت آثم و کفور که پیامبر بدان دستور داده شده را مربوط به سیاق دوم دانسته که احتمال مکی بودن آن می‌رود. روایات فراوان نقل شده ذیل سیاق اول از آیات (آیات ۱ تا ۲۲) که دلالت تام بر مدنی بودن آیات دارند، تاییدی است بر این گفتار. بنابراین ابتدای سوره تا آیه ۲۲ در مدینه و ذیل آن در مکه نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰ / ۱۳۵-۱۳۶).

آنچه در نظر تفسیری علامه طباطبایی مهم جلوه می‌کند، احتمال وی در مدنی بودن آیات ۱-۲۲ و مکی بودن ۲۳-۳۱ است که بی‌شبهت به مبحث «مستثنیات در سوره‌های قرآنی» نیست. با این وصف دو احتمال در تعیین مکی یا مدنی بودن این سوره توجه داده می‌شود: ۱. مدنی بودن بخشی از سوره (تنها آیات ۱ تا ۲۲) یا ۲. مدنی بودن تمامی آیات. علامه طباطبایی به گونه‌ای یقین‌آور مدنی بودن آیات ۱ تا ۲۲ را به تصویر می‌کشد و درباره ۹ آیه دیگر با تشکیکاتی مکی یا مدنی بودن آن را طرح می‌کند که مدنی بودن را با توجه دادن به آیات مشابه در سور مدنی و مکی بودن این آیه را می‌توان به عنوان قولی در احتمال وجود مستثنیات در این سوره محسوب نمود (در این باره نک: ادامه مقاله در بحث از مستثنیات). او بسیاری از دلایلی که حکایت از مکی بودن سوره انسان دارند، واکاوی نموده و سپس با بیان مستندات قرآنی، روایات مشهور و

گزارش‌های تاریخی، آن‌ها را در ترازوی نقد قرار می‌دهد. در این بحث سرتاسر عبارات تفسیری علامه طباطبایی، به‌گونه‌ای مقدمه‌ای است برای نیل به هدف نهایی و آن دفاع از فرضیه خویش، یعنی مدنی بودن آیات این سوره به‌ویژه آیات ابتدایی است.

۵. بررسی و تحلیل

برای ارزیابی دقیق‌تر معیارهای تفسیری ایشان، علاوه بر آنچه مطرح شد، به گزارش‌های تاریخی کهن، مباحث معناشناسی تاریخی و آیات مستثنیات پرداخته می‌شود.

۵.۱. ریشه‌شناسی واژه اسیر

مطالعه تاریخ تحولات لفظی و تغییرات معنایی واژه را ریشه‌شناسی گویند. (Campbell, 1998: p4)؛ به عبارت دیگر ریشه‌شناسی را می‌توان مطالعه طرز ساخت تاریخی معناها نامید که در آن مطالعه تاریخی - فرهنگی متون، با کشف اعتبارهای معنایی که واژگان در طول ادوار متعدد از اعماق تاریخ در خود پنهان نموده‌اند، صورت می‌گیرد. اما باید توجه داشت که ریشه‌یابی واژگان در زبان‌های سامی به معنای کشف معنای اصلی آن‌ها نیست بلکه مقصود دستیابی به معانی جانبی و عمق بخشی به گستره معنایی واژه است. در ادامه به تحلیل واژه «اسیر» بر اساس معناشناسی در زمانی پرداخته می‌شود که در دو حوزه مطالعه کتب لغت عربی و مراجعه به منابع زبان‌های سامی قابل پیگیری است.

۵-۱-۱. مفهوم‌شناسی واژه اسیر در زبان عربی

واژه «أسر» در لغت به معنای بستن محکم (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷/ ۲۹۳؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۸/ ۳۷۲)، حبس و امساک (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۰۷) و بستن با ریسمان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۶). کلمه «اسیر» نیز از این ماده ساخته شده است، چرا که چنین کسی با بند و ریسمانی

ارزیابی معیارهای تفسیری ابن عاشور و علامه طباطبایی در ... / ۱۴۷

بسته، مقید و محدود می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۱۰۷). سپس به هر چیزی که گرفته شده و مقید است اسیر گفته‌اند، هر چند که با چیزی هم بسته نشود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۶). برخی از لغت‌دانان نیز «أسر» را پیوند به ماده «ح ب س» داده و اسیر را محبوس دانسته‌اند (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۸/۳۷۲).

۵-۲. مفهوم‌شناسی واژه اسیر در دیگر زبان‌های سامی

استفاده از منابع لغوی زبان‌های سامی^۱ برای عمق‌بخشی معنای تاریخی یک واژه، امروزه منبعی بسیار مهم تلقی می‌شود. برای ریشه‌شناسی^۲ واژه «اسیر»، نیاز به مطالعه تطبیقی میان این واژه و همزادهای آن در دیگر زبان‌های سامی است. زبان سامی شمال غربی، شامل دو شاخه کنعانی و آرامی است؛ بخش کنعانی جنوبی مربوط به زبان عبری است که زبان عهد قدیم است. (عبد التواب، ۱۳۶۷: ۳۶-۳۵) بررسی‌ها حاکی از آن است که همزاد^۳ ماده «أسر» در شاخه کنعانی زبان‌های سامی و به طور خاص عبری قابل پیگیری است. در زبان عبری عهد عتیق، ماده «أسر» به صورت «אָסַר» در حالت فعلی با تلفظ تقریبی «آسر» کاربرد داشته که برای آن دو مفهوم کلی قابل تصور است: ۱. بستن، بند کردن، مقید و محصور کردن (Tie/ bind) که این بستن با ریسمان و زنجیر توأم بوده است (bind with cords and fetters) و ۲. به زندان افکندن، زندانی کردن، نگهداشتن و امساک (Imprison) (Gesenius, 1906: 63). با این وصف مفهوم اسیر «אָסַר» را می‌توان معادل «شخص بند شده، مقید شده و زندانی» دانست (Gesenius, 1906: 64).

^۱ زبان‌های سامی عنوانی است که نخستین بار آگوست شلوتسر با استناد به تورات (سفر پیدایش، ۱۰: ۱ - ۳۲) آن را به مجموعه‌ای از زبان‌های خاور میانه اطلاق کرد (نک: عیوضی، ۱۳۹۶ش: ص ۱۷۲).

^۲ Etymology

^۳ Cognate

زبان آرامی از جمله زبان‌های شمال غربی سامی محسوب می‌شود. ماده «أسر» در آرامی ترگوم نیز کاربرد داشته است (حیاتی، ۱۳۹۴: مقدمه/ن). اصطلاح «ترگوم» که بیشتر در ترکیب با لفظ «آرامی» به کار می‌رود، اشاره به ترجمه آرامی عهد عتیق دارد (عیوضی، ۱۳۹۶: ۱۷۰). ماده «أسر» در آرامی ترگوم به صورت «ܐܣܪ» و عمدتاً به معنای احاطه کردن و فراگرفتن (tosurround) و محصور کردن (enclose)، است. از جمله موارد کاربرد آن نیز می‌توان به «زنجیر کردن و با زنجیر بستن» (to chain) و «زندانی کردن و نگهداشتن» (Imprison) اشاره کرد (Jastrow, 1903: 98).

ماده «أسر» و مشتقات معنایی آن در زبان سریانی به صورت نوشتاری «ܐܝܨܪܐ»، «ܐܝܨܪܐ» و «ܐܝܨܪܐ» به کار می‌رود. عمده مفاهیمی که از این ریشه برداشت می‌گردد، عبارتند از: ۱. بستن، بند کردن، مقید و محصور کردن (to bind) که معادل فعل «قید» در عربی است، ۲. به زندان افکندن، زندانی کردن (prison) که معادل فعل «سَجَنَ» در عربی است، ۳. حبس کردن (imprisonment) که معادل فعل «حَبَسَ» در عربی است و ۴. اسیر گرفتن (captivity) که در عربی معادل فعل «سَبَى» است (Costaz, 2002: 16). از این رو کاربرد مفاهیم «سَجِنَ» (زندانی = prisoner) و «أسیر» در مفهوم مشهور خود (captive) در زبان فرانسوی) به کثرت مشاهده می‌شود (vide. ibid).

به طور جمع‌بندی می‌توان مکتوبات مستعمل به گونه «ܐܝܨܪܐ»، «ܐܝܨܪܐ» و «ܐܝܨܪܐ» را در چنین مفاهیمی در نظر گرفت: ۱. أسر - سبی، ۲. سجن - قید، ۳. عقل (به معنای بستن، دربند کردن) - ربط و ۴. شد و ... (Manna, N. D: 45).

ارزیابی معیارهای تفسیری ابن عاشور و علامه طباطبایی در ... / ۱۴۹

یکی دیگر از همزادهای ماده «أسر» در زبان کلدانی قابل پیگیری است؛ در این زبان «أسر» به ناری کاربرد داشته و آنچه درباره جمع‌بندی مفهوم اسیر در زبان سریانی بیان شد، در این زبان نیز قابل تسری است (vide. Manna, 1975: 34).

۳-۱-۵. جمع‌بندی مفهوم شناختی واژه اسیر

کاربرد اولیه ماده «أسر» در معنای «بستن (با طناب و زنجیر) و زنجیر کردن» است که با توسعه معنایی، بار معنایی «حبس کردن و امساک» نیز بدان تحمیل شده است، به طوری که در این توسع «بستن با چیزی همچون طناب و زنجیر» حالت مجازی یافته و گستره مفهومی به «زندانی کردن، به زندان افکندن، محصور کردن» فراتر رفته که در آن بستن حقیقی دیگر شرط نیست، به همین دلیل «اسیر» در این توسعه معنایی، به «فرد محصور، زندانی، در قید و گرفتار شخص ثانی بودن» گفته می‌شود. از این‌رو بررسی مفهوم شناختی و ریشه‌یابی واژه «اسیر» در زبان‌های سامی، با دستیابی به معانی جانبی و عمق‌بخشی به گستره معنایی واژه، نشان می‌دهد که توسعه معنایی این واژه منطبق است بر مفهوم مستعمل و مشهور «اسیر»، یعنی فردی که محصور، زندانی و گرفتار دیگری است و در صدر اسلام به معنای «اهل دار الحرب؛ گرفتار شده در دست مسلمانان» مورد استعمال قرار گرفته است.

حال با تطبیق نظرات تفسیری ابن عاشور و علامه طباطبایی و یافته‌های مفهوم شناختی می‌توان ادله به کار بسته شده توسط علامه طباطبایی را منطبق‌تر دانست. معنای «زن» که برای «اسیر» ذکر شده است در استعمالات پس از نزول قرآن، کاربرد داشته است و مفاهیمی همچون «عبد، برده یا مملوک» در دیگر آیات قرآنی که مشتمل بر ماده «أسر» هستند (بقره / ۸۵؛ انفال / ۶۷ و ۷۰؛ احزاب / ۲۶) منتفی می‌گردند. بررسی سیاق آیات فوق موید معنایی است که علامه طباطبایی مطرح نموده است. حال تاثیر این بیان در تعیین مکی یا مدنی بودن سوره انسان این است: «از

آنجا که اسارت و به گرفتار آمدن اهل دار الحرب توسط مسلمانان، تنها مربوط به جنگ‌های پیامبر با مشرکین بوده و تمامی جنگ‌ها در مدینه و پس از هجرت پیامبر رخ داده است، لذا تقویت این سخن به معنای تایید مدنی بودن این سوره خواهد بود، چنان‌که علامه طباطبایی معتقد به آن (یا بخش عمده آن) است.

علاوه بر این تردیدهای آشکار و نهان ابن‌عاشور در مدنی یا مکی بودن آیه ۸ این سوره به دلیل وجود واژه «اسیر» نیز پررنگ جلوه می‌کند. وی در نهایت، احتمال مدنی بودن تنها این آیه از سوره را مطرح می‌کند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۳۴۴/۲۹). این در حالی است که علامه طباطبایی سیاق این دسته از آیات را واحد دانسته و دیدگاه دال بر مدنی بودن تنها آیه هشتم این سوره را به نقد می‌کشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۷/۲۰، ۱۳۲ و ۱۳۵).

۲-۵. حضور حسنین (ع) در روایات سبب نزول

چنان‌که پیشتر مشاهده شد، تمامی روایات سبب نزول سوره انسان، نزول آن را در شأن اهل بیت پیامبر دانسته‌اند، اما در میان آن‌ها، در یک مورد اختلافاتی دارند؛ در تعدادی از روایات حسن و حسین (ع) همراه با والدین خود و فضا، روزه گرفته‌اند، اما در برخی دیگر بدان تصریح نشده است و تنها سخن از روزه‌داری امام علی، حضرت فاطمه (ع) و فضا آمده است. از آنجا که رسالت این نوشتار تنها بازشناسی مکی یا مدنی بودن سوره انسان است، به اختلاف ظاهری میان این دو دسته از روایات پرداخته نمی‌شود؛ چرا که در نظر گرفتن هر یک از دو دسته، نتیجه‌ای یکسان در تعیین قول به مکی یا مدنی دارد، زیرا اتفاق جملگی روایات در بیماری حسنین (ع) است و این دلالت بر حضور ایشان به هنگام نزول این سوره (یا بخشی از سوره) دارد. طبق بسیاری از اخبار مشهور، امام حسن (ع) در سال سوم پس از هجرت پیامبر در مدینه متولد شد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۶۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ۵/ ۲) و برخی نیز ولادت ایشان را در سال دوم هجرت

ارزیابی معیارهای تفسیری ابن عاشور و علامه طباطبایی در ... / ۱۵۱

احتمال داده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۴۶۱؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۶ / ۳۹). همچنین در ولادت امام حسین (ع) نیز بین سال‌های سوم یا چهارم هجرت اختلاف است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۴۶۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۲۷؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۲: ۱ / ۳۹۲). لذا آنچه گفته آمد، دلالت بر مدنی بودن این آیات دارد؛ چراکه حسنین (ع) متولد مدینه و تا رحلت پیامبر نیز در آن ساکن بوده‌اند؛ از این رو نزول هر آیه‌ای در شأن ایشان، مدنی تلقی خواهد شد. این گزارش‌های تاریخی که در مقام تطبیق، منطبق بر اسباب نزول این سوره است، نشان از برتری دیدگاه علامه طباطبایی در توجه به منقولات کهن و متقدم دارد.

۳-۵. امکان وجود مستثنیات در سوره انسان

«آیات مستثنیات» اصطلاحی است که بازتاب دهنده نظریه احتمال «وجود آیه مدنی در سوره مکی» و یا «وجود آیه مکی در سوره مدنی» است. برخی از محققان با تتبع در منابع تفسیری و علوم قرآنی از وجود ۱۹۷ آیه مدنی در سوره‌های مکی و ۲۶ آیه مکی در سوره‌های مدنی خبر داده‌اند (فائز، ۱۳۹۰: ۱۲۷). با این وصف اعتقاد به مستثنیات در سوره‌های مختلف رایج بوده است. مفسرین بر این باورند که مکی بودن یک سوره، منافاتی با مدنی بودن یک یا چند آیه آن ندارد و همچنین مدنی بودن یک سوره نیز منافاتی با مکی بودن یک یا چند آیه آن ندارد (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱ / ۱۵-۱۹). برخی گزارش‌ها نیز حاکی از آن است که پیامبر (ص) برخی از آیات مکی را در سوره‌های مدنی و بالعکس جای داده‌است (به عنوان نمونه نک: بخاری، ۱۴۰۱ق: ۲ / ۱۱۹؛ زرکشی، ۱۳۹۱: ۱ / ۲۹۶ و ...). از مفسران متقدم امامیه نیز به تعدادی از این آیات توجه داده‌اند (طوسی، بی‌تا: ۵ / ۷۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳). از این روست که نمی‌توان از فراگیری این نظریه احتمالی در میان مفسران چشم‌پوشی نمود. این نظریه درباره سوره انسان نیز به عنوان یک احتمال قابل پیگیری است. طبق سیره مفسران این‌گونه اتخاذ رویکرد، امکان وقوع داشته، لذا علامه

طباطبایی در به امکان وجود مستثنیات در سوره انسان اشاره دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰ / ۱۲۰ و ۱۳۶)

در مقام تطبیق بحث از وجود مستثنیات نیز به عنوان یک احتمال در بیان هر دو مفسر بیان شده است، با این تفاوت که علامه طباطبایی سوره انسان را مدنی دانسته جز ۹ آیه پایانی، اما ابن عاشور اعتقاد به مکی بودن تمام سوره دارد و تنها آیه ۸ سوره را به دلیل استقرار واژه «اسیر» و روایات صادره، مدنی می‌داند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹ / ۳۴۴) علامه طباطبایی دلایل مطروحه این مفسران را ناکافی تلقی کرده که در نقد این تفکر، سیاق آیات را متصل به یکدیگر و آیات را یک داستان واقعی بهم پیوسته می‌داند و امکان نگرش تک‌بعدی به آیه «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان / ۸) را نفی و نقد نموده است. (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰ / ۱۲۷ و ۱۳۵)

شایان ذکر است که برخی از محققان، علاوه بر ۹ آیه پایانی سوره، آیات ۱ تا ۴ را نیز به دلیل وحدت سیاق با آیات پایانی، مکی دانسته‌اند. (نک: سیاوشی، ۱۳۸۸: ۱۳۳ و ۱۴۰) به نظر می‌رسد با پذیرش این نگرش، اختلاف حل نشده تعارض میان اقوال مفسران در مکی یا مدنی بودن سوره انسان نیز قابل جمع باشد؛ توضیح آن که طبق این نگرش از آنجا که آیات ابتدایی سوره انسان مکی است، برخی با اخذ به نزول آیات ابتدایی، آن را مکی تلقی کرده؛ و از طرفی چون غالب آیات آن در مدینه نازل شده و روایات سبب نزول خاص نیز در این باره در حد تواتر است، به مدنی بودن آن حکم کرده‌اند؛ از این رو می‌توان میان آرای مفسران در قول به مکی یا مدنی بودن این سوره جمع عرفی نمود.

نتیجه‌گیری

کاوش در ارزیابی مکی یا مدنی بودن سوره انسان و پیگیری آن در آرای تفسیری ابن‌عاشور و علامه طباطبایی، نشان می‌دهد:

۱. سه دیدگاه کلی در قول به مکی یا مدنی بودن این سوره از جانب مفسران، از دیرباز تاکنون مطرح است: مدنی بودن تمام آیات، مکی بودن تمام آیات، بخشی از آیات مکی و بخشی مدنی.
۲. در این میان، ابن‌عاشور و علامه طباطبایی در تقابل میان دو رویکرد «قول به مکی یا مدنی» به صراحت مخاطب را به دیدگاه خویش توجه می‌دهند. این تقابل تاریخی میان این دو مفسر نیز مشهود است. ابن‌عاشور معتقد به قول مکی و علامه طباطبایی معتقد به مدنی بودن آن است.
۳. مفهوم‌شناسی واژه «اسیر» در زبان‌های عربی، عبری، آرامی ترگوم، سریانی و کلدانی صورت گرفت. استعمال اولیه در معنای «بستن و زنجیر کردن» و با اندکی توسعه «حبس کردن و امساک» است. با توسع معنا، حالتی مجازی به این مفهوم داخل شده و گستره مفهومی تا «زندانی کردن و به‌زندانی افکندن» فراتر می‌رود. با دستیابی به معانی ضمنی و نیز عمق‌بخشی به گستره معنایی واژه «أسیر» نتیجه چنین شد که توسعه معنایی این واژه بر مفهوم مستعمل و مشهور «اسیر»، یعنی فردی که محصور، زندانی و گرفتار دیگری بوده، منطبق است. این مفهوم در صدر اسلام نیز به معنای «اهل دار الحرب؛ گرفتار شده در دست مسلمانان» به کار برده شده است. این یافته‌های ریشه‌شناسی و مفهوم‌شناختی با ادله به کار بسته‌شده علامه طباطبایی منطبق تر بوده که تقویت‌کننده قول به مدنی بودن آیاتی است که وحدت سیاق با بخش استقرار یافته لفظ «اسیر» در سوره دارد.

۴. بررسی میزان توجه دو مفسر به گزارش‌های تاریخی، به‌ویژه حضور حسنین (ع) در سبب نزول خاص سوره، نشان از برتری دیدگاه علامه طباطبایی در توجه به منقولات کهن و متقدم دارد.

۵. امکان وجود آیات مستثنیات، از دیگر مباحث مورد پژوهش در تطبیق نگاه تفسیری دو مفسر بوده و به عنوان یک احتمال در بیان ایشان قابل پیگیری است. علامه طباطبایی سوره انسان را مدنی دانسته جز ۹ آیه پایانی را، با این تفاوت که ابن‌عاشور اعتقاد به مکی بودن تمام سوره دارد و تنها آیه ۸ سوره را به دلیل استقرار واژه «اسیر» و روایات صادره مدنی می‌داند که این تفکر با نقد صریح علامه طباطبایی همراه است. وحدت سیاق و پیوستگی داستان واقعی و در خارج واقع شده آیات ۲۲-۵، نگرش تک‌بعدی به آیه «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» و صرف مدنی خواندن آن را در این سوره نفی و نقد می‌کند.

۶. در پایان با پذیرش قول به مدنی بودن بخشی از آیات این سوره (آیات ۱ تا ۲۲) که قول احتمالی علامه طباطبایی است، گزارش‌های تاریخی و روایات سبب نزول در شأن اهل بیت که در حد تواتر در کتب فریقین نقل شده‌است، با این دیدگاه تفسیری، منطبق و از طرد آن‌ها جلوگیری می‌گردد. همچنین ابهامات مفسران در مواجهه با اتخاذ قول به مکی بودن این سوره (از جمله سردرگمی در تبیین مفهوم اسیر) رفع می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله (۱۴۲۴): *تفسیر ابن ابی زمنین*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۳۲): *الجامع لکلام الامام ابن تیمیه فی التفسیر*، گردآوری و تحقیق: ایاد بن عبداللطیف بن ابراهیم القیسی، دمام عربستان سعودی: دار ابن الجوزی.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹): *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام*، قم: علامه.
۵. ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲): *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴): *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۷. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲): *زاد المسیر فی علم التفسیر*، تحقیق: مهدی عبد الرزاق، بیروت: دار الكتاب العربی
۸. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰): *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
۹. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲): *المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، تحقیق: محمد عبد السلام عبد الشافی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۰. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱): *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی.
۱۱. امویاندلسی، عثمان (۱۴۱۴): *البیان فی عد آی القرآن*، تحقیق: غانم قدوری الحمد، کویت: مرکز المخطوطات و التراث.
۱۲. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵): *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۳. بخاری، محمد (۱۴۰۱): *صحیح البخاری*، استانبول: دار الفکر.

۱۴. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰): *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، تحقیق: مهدی عبد الرزاق، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۵. پاکتچی، احمد؛ شیرزاد، محمد حسین و شیرزاد، محمد حسن (۱۳۹۷): «چندمعنایی ماده «نذر» در قرآن کریم؛ تحلیلی زبان‌شناختی بر همگرایی ریشه‌ای میان نذر و انذار»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ص ۱۰۶-۹۱.
۱۶. حسکانی، عبید الله بن عبد الله (۱۴۱۱): *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق: محمد باقر محمودی، تهران: التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
۱۷. حیاتی، سعید (۱۳۹۴): *آشنایی با دستور زبان‌ها و واژه‌نامه‌های سریانی، آرامی و آشوری*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲): *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
۱۹. زرقانی، محمد عبدالعظیم (بی‌تا): *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، قاهره: مطبعة عیسی البابی.
۲۰. زرکشی، محمد (۱۳۹۱): *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالمعرفة.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷): *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأفاویل فی وجوه التأویل*، تحقیق: مصطفی حسین احمد، بیروت: دار الكتاب العربی.
۲۲. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶): *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، تحقیق: عمر عمروی، بیروت: دار الفکر.
۲۳. سیاوشی، کرم (۱۳۸۸): ((کنکاشی در مکی یا مدنی بودن سوره انسان، صحیفه مبین، ص ۱۴۳-۱۰۳.
۲۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۴۱۶): *الایقان فی علوم القرآن*، تحقیق: سعید المندوب، بیروت: دارالفکر.
۲۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۴۰۴): *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۶. صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴): *المحیط فی اللغة*، تحقیق: محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰): *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

ارزیابی معیارهای تفسیری ابن عاشور و علامه طباطبایی در ... / ۱۵۷

۲۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲): *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: هاشم رسولی و فضل الله یزدی طباطبایی، تهران: ناصر خسرو.

۲۹. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷): *تهذیب الأحکام*، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامية، نوبت چهارم.

۳۰. طوسی، محمدبن حسن (بی تا): *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد حبیب عاملی، بیروت: ناشر: دار إحياء التراث العربی.

۳۱. عاصمی، احمد بن محمد (۱۴۱۸): *عسل المصنّفی منه تهذیب زین الفتی فی شرح سورة هل أتى*، تحقیق: محمدباقر محمودی، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.

۳۲. عبد التواب، رمضان (۱۳۶۷): *مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، مشهد: آستان قدس رضوی.

۳۳. عیوضی، حیدر (۱۳۹۶): *درآمدی بر زبان شناسی تطبیقی قرآن و تورات*، قم: دار الحدیث.

۳۴. فائز، قاسم (۱۳۹۰): *بررسی نظریه آیات مستثنیات سور مکی و مدنی*، فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره ۸، صص ۱۵۲ - ۱۲۷.

۳۵. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰): *التفسیر الکبیر*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹): *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.

۳۷. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴): *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.

۳۸. قطب، سید (۱۴۱۴): *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۳۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴): *تفسیر القمی*، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتب.

۴۰. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷): *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية.

۴۱. ماوردی، علی بن محمد (بی تا): *النکت و العیون تفسیر الماوردی*، تحقیق: سید بن عبد المقصود عبدالرحیم، بیروت: دار الکتب العلمیة.

٤٢. مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣): *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
٤٣. مصطفی مسلم و همکاران (١٤٣١): *التفسير الموضوعی لسور القرآن الکریم*، شارجه امارات: الجامعة الشارقة.
٤٤. معرفت، محمد هادی (١٣٨١): *علوم قرآنی*، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
٤٥. مفید، محمد بن محمد (١٤١٣): *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
٤٦. میر محمدی زرندی، ابوالفضل (١٤٢٠): *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
47. Campbell, Lyle (1998). *Historical Linguistics: An Introduction*. USA: Edinburgh University Press.
48. Gesenius, William (1906), *A Hebrew and English Lexicon of The Old Testament*, translated by Edward Robinson, New York.
49. Jastrow, Marcus. (1903). *A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi, and the Midrashic Literature*. Nabu Press.
50. Palmer, F. R. (1976). *Semantics: A New Outline*. Cambridge: Cambridge University Press.
51. Costaz, Louis, (2002), *Syriac-French-English-Arabic-Dictionary*, Beyrouth: Dar el Machreq, Third Edition.
52. Manna, B. Eugene, (1975), *Chaldean-Arabic Dictionary*, Reprinted with a new appendix: Dr. Raphael Bidawid, beirut: Babel center publications.
53. Manna, B. Eugene, (N. D), *Syriac Arabic Dictionary*